

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه قارعه

استاد ضرابی آذر ۱۳۹۹

جلسه اول ۹۹/۹/۲۷ پنجشنبه

آیه شریفه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - به نام خداوند رحمتگر مهربان»

عنوان : الهام از محتوای سوره

ایستادن در پیشگاه قدس الهی با تمسک به کلمه طیبه « بسم الله الرحمن الرحيم » و نوع نیازی را که باید برای برآورده شدنش رو به درگاه الهی آوریم ابتداء به تعلیم الهی و با شناخت اجمالی نخست از خود سوره بدست می آوریم ؛ چرا که ما مانند آن بیماری هستیم که از خود بطور دقیق خبر ندارد و تنها با بروز علائم یک بیماری و احساس درد و نگرانی خود را به طبیب رسانده است. اما با کمک او با تفصیل بیشتری در جریان قرار می گیرد و به وظایف و اقداماتی که باید انجام دهد واقف می گردد.

همانطور که طبیب با تجهیزاتی مناسب با نوع بیماری، برای کمک رسانی به بیمار خود اقدام می کند. خداوند مهربان داروخانه عظیم یا به تعبیر جامع تر تربیت خانه قرآن کریمش را بطوری مجهز به سور و آیات شفا بخش و هدایتگر نموده است که از هیچ امری فروگذار ننموده است . «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى _ (موسی گفت که خدای ما آن کسی است که همه موجودات عالم را نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس (به راه کمالش) هدایت کرده است.» (سوره طه، آیه ۵۰)

دست بر آن سفینه زن، دامن ناخدا طلب

از در ما شفا بجو و زدم ما دوا طلب

هست سفینه نجات عترت و ناخدا، خدا

خسته درد را بگو، هرزه مگرد کو به کو

عنوان : تفاوت احوال پناه آورندگان

همانطور که روزی خوران درگاه الهی متنوع و متفاوت اند و به فرموده امیرمؤمنان (علیه السلام): «لَکُلِّ ذی رَمَقٍ قُوَّةٌ ، و لَکُلِّ حَبَّةٍ أَکَلٌ ، و أَنْتَ قُوَّةُ الْمَوْتِ - برای هر جاندار، خوراکی است و برای هر دانه ای، خورنده ای و تو [نیز] خوراک مرگ هستی.» (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۶۳) ؛ ولی بعضی امور تا انسان از خدا با عجز و لابه و الحاح نطلبد، به او نمی دهد. «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ - و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید!» (سوره نساء، آیه ۳۲)

مانند روزیهای حلال، مقامات معنوی و تفضلهای الهی و چون نیازمندیهای انسان متفاوت است و هر نیازی یک چهره و رنگ خاص خود را دارد؛ مثلاً انسانی که نیازمند غذا است برای رفتن به پیش کریمی همان حالتی را ندارد که در زمان نیازمندی به اختیار همسر برای یک زندگی مشترک دارد و یا وقتی محتاج به کار و شغلی است همان حالتی را ندارد که در وقت احتیاج به تهیه خانه و سرپناه دارد و یا وقتی بیمار است و نیازمند مداواست و به همین ترتیب. در عین حال که همه در اصل حاجت و نیاز مشترکند و لی رویکرد شخص نیازمند در هر یک از این نیازها متفاوت است و این تفاوت متأثر از نوع نیاز اوست،

ز حال قلب جفا دیده ام، می پرس، می پرس چو ابر از غم دلدار، اشک ریزان شد
گروه عاشقان بستند محملها و وارستند تو دانی حال ما واماندگان در این میان چون شد

عنوان: تفاوت مواجهه حق تعالی با پناهندگان

همانطور که نیازمندیها متفاوت است شخص کریم هم در تدارک پشتیبانی و نوع کمک و مساعدت خود متناسب با نوع مساعدت و کمکی که قصد انجام آن را دارد تدارکی متناسب با آن را خواهد داشت، «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ - و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد و از فضل خود بر آنها می افزاید» (سوره شوری، آیه ۲۶)

رویکرد خداوند متعال هم در هر اقدامی متفاوت است و این تفاوت متناسب با نوع کمک رسانی و حمایت اوست؛ اگر حمایت مالی باشد به نوعی و اگر حمایت

مشاوره‌ای باشد به نوعی و اگر حمایت عاطفی باشد به نوعی دیگر . «وَأَتَكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ- و از انواع نعمتهایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود» (سوره ابراهیم، آیه ۳۴)

آب کم جو تشنگی آور بدست تا بجوشد آبت از بالا و پست
تا سقا هم ربهم آید خطاب تشنه باش الله اعلم بالصواب

عنوان: سپری برای آتش دوزخ

قیامت همان موقفی که باید کلمه طیبه « بسم الله الرحمن الرحيم » را به عنوان سپری در مقابل بلایا و مخاطرات آن پیش برد. «مَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَجِّيهُ اللَّهُ مِنَ الزَّبَانِيَةِ التَّسْعَةِ عَشَرَ فَلْيَقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَإِنَّهَا تِسْعَةُ عَشَرَ حَرْفًا لِّيَجْعَلَ اللَّهُ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا جُنَّةً مِنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ»_ هر کس می‌خواهد خداوند او را از زبانیه (فرشتگان عذاب) نوزده‌گانه برهاند، بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت کند زیرا آن نوزده حرف است. تا خداوند هر حرف آن را سپری در مقابل یکی از آن فرشتگان قرار دهد.» (مستدرک الوسائل ج ۴ ، ص ۳۸۷)

از نگاه علی(علیه السلام) یاد قیامت موقف تضرع و خوف و پناهندگی به خداوند است از این رو آیات الهی را با اشک و آه تلاوت می‌کند: «وَأَسْأَلُكَ الْإِمَانَ (يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا، وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ) وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانَ (يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ، وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ)؛ وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانَ (يَوْمَ يَوْدُ الْمَجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ، وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ، وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ، وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ، كَلَّا إِنَّهَا لَأُظَى نَزَاعَةً لِلشَّوَى)- و از تو امان می‌خواهم روزی که کسی برای کسی اختیار چیزی را ندارد و اختیار همه‌چیز در آن روز برای خداست و از تو امان می‌خواهم روزی که انسان فرار می‌کند از برادر و پدر و مادر و همسر و فرزندان و برای هرکدام از آن‌ها در آن روز کاری است که آن کار او را بس است؛ و از تو امان می‌خواهم روزی که گنه‌کار دوست دارد، اگر بتواند از عذاب آن روز، پسرانش و همسرش و برادرش و خویشانانش که او را در بر می‌گیرند و هرکه در روی زمین

است بها بدهد سپس این بها دادن او را نجات دهد، هرگز! همانا عذاب الهی آتشی شعله‌ور است، برکننده پوست اعضا برای سوزاندن است!»

وارستگان، به دوست پناهنده گشته‌اند وابسته‌ای چو من به جهان، بی پناه شد

خودخواهی است و خودسری و خودپسندی است حاصل ز عمر آنکه خودش، قبله‌گاه شد

عنوان: اقتداء به سرور دو عالم

گفته شد که هر سوره‌ای پاسخی به مهمترین نیازهای بشری است؛ اکنون سخن از کدامین حاجت است؟ و ما با کدامین جلوه از برکات این کلمه طیبه مواجهیم و با رعایت کدامین ادب باید وارد شویم؟ این بار سخن از قاره‌ای است که آنچنان طومار بشر و همه چیز را به هم می‌پیچد و با نظام نوینی، هر کسی را در مقام لایق آن در ماورای دنیا و در عالم ملکوت و جهانی ابدی قرار می‌دهد که برای انسان‌ها مهمتر از آن حادثه‌ای وجود ندارد.

باید بدانیم در چنین موقف حساسی چگونه خداوند را به رحمانیت و رحمیتش بخوانیم. باید در دل نجوا کنان با اقتدا به مولایمان امیرمؤمنان آن‌گونه در عمل و این‌گونه در مناجات باشیم: «مَوْلَايَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ؟ مَوْلَايَا مَوْلَايَا، أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُمْتَحَنُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ؟ مَوْلَايَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَحَيِّرُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلُ؟ مَوْلَايَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمَذْنِبُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ؟ مَوْلَايَا مَوْلَايَا، أَنْتَ الْغَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ؟...- مولایم ای مولای من، تو رحم‌کننده‌ای و من رحم‌شده، آیا رحم می‌کند به رحم‌شده جز رحم‌کننده؟ مولایم ای مولای من، تو سلطانی و من آزمایش‌شده به بلاها، آیا رحم می‌کند به آزمایش‌شده به بلاها جز سلطان؟ مولایم ای مولای من، تو دلیلی و رهنما و من سرگردان، آیا رحم می‌کند به سرگردان جز دلیل و رهنما؟ مولایم ای مولای من، تو آمرزنده‌ای و من گناهکار، آیا رحم می‌کند به گناهکار جز آمرزنده؟ مولایم ای مولای من، تو غالبی و من مغلوب، آیا رحم می‌کند به مغلوب جز غالب؟»

عنوان : تیر دعا بر کمان نیکی بگذار تا به عرش خدا برسد

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به ابوذر فرمود: «یا أباذر! یکفی من الدّعاء مع البرّ ما یکفی الطّعام من الملح- اگر انسان جزو ابرار شد، دعای به زبان ، به اندازه نمک طعام کافی است: یعنی بکوش تا در شمار نیکوکاران باشی و حالی پیدا کنی که اگر آه کشیدی اثر کند» (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۸۴)

در قرآن می خوانیم که دعای نیکوکاران اثر می کند: «وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ- و خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید، که البته رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.» (سوره اعراف، آیه ۵۶)

حدیث درست آخر از مصطفاست که بخشایش و خیر دفع بلاست

و چرا دعای آنها که خداوند، بهشت و دنیا و آخرت آنها است اثر نکند؟ زینت عبادت کنندگان سید الساجدین در فرازی از دعای خود می گوید: « يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَ يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَ يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي وَ يَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي وَ الْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي وَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاعْفُ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ- ای ذخیره روز غم و اندوه من و ای یاور و مونس هنگام سختیهای من ای ولی نعمت من ای منتهای آرزوی من تویی که عیب های مرا مستور می سازی و از هر بیم و خطر دلم را آرام می بخشی و از خطا و لغزشهایم در می گذاری پس به کرمات گناهم را بیامرز ای مهربانترین مهربانان عالم. » (مفاتیح الجنان)

گر طالب راه حق شوی ره پیدااست او راست بود با تو، تو گر باشی راست

در راه او شکسته دلی می خرنند و بس بازار خود فروشی از آن سوی دیگر است.